

خروج زن از منزل و اذن شوهر از منظر فقه امامیه

زین العابدین نجفی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۷/۸ - تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۷/۱۷)

چکیده

مشهور فقیهان امامیه قائل به ممنوعیت مطلق خروج زن از منزل بدون اذن شوهر در غیر انجام واجب هستند. بسیاری از حقوق دانان به پیروی از قول مشهور همین نظر را برگزیده و گفته‌اند: خروج زن از منزل بدون اذن شوهر به هر منظوری، روا نیست. در این پژوهش اقوال و ادله‌ی مسأله از آیات، روایات و اصول بررسی شده و اثبات گردیده است که خروج متعارف زن از منزل بدون اذن شوهر با رعایت حق کامجویی شوهر جایز است.

کلید واژه‌ها: خروج زن از منزل، اذن شوهر، حق کامجویی شوهر.

طرح مسأله

یکی از مسائل بحث انگیز میان فقیهان امامیه و مورد ابتلای جامعه، جواز یا عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر است. مشهور فقیهان امامیه معتقدند خروج زن از منزل بدون اذن شوهر در غیر انجام واجب، به هیچ عنوان جایز نیست؛ گرچه خروج وی منافاتی با کامجویی شوهر نداشته باشد. حتی رفتن به عیادت پدر و مادر بیمار و حاضر شدن بر جنازه و شرکت در مجلس عزای آنان بدون اذن شوهر جایز نمی‌باشد. (شهید ثانی، ۳۰۸/۸؛ امام خمینی (ره)، ۲۸۸/۲؛ گلپایگانی، ۳۶۵/۲)

بسیاری از حقوق دانان به پیروی از مشهور فقیهان امامیه همین نظر را برگزیده‌اند

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی.

(محقق داماد، ۳۱۶؛ طاهری، ۲۰۲/۳)

بر اساس این قول به مرد اجازه داده می‌شود که در صورت تهیّه همه‌مایحتاج زن او را به طور ابد در خانه زندانی نماید. (فضل‌الله، ۹۲)

در مقابل نظر مشهور، برخی از فقیهان، خروج زن از منزل بدون اذن شوهر را در صورتی که منافات با حق کامجویی شوهر نداشته باشد، جایز دانسته‌اند (فضل‌الله، ۹۲؛ شمس‌الدین، ۸۸/۳؛ جنّاتی، ۱۰۵/۲)

این مسأله اکنون مورد ابتلای جامعه است چرا که برخی از مردان از این وضعیت سوء استفاده نموده و برای آزار و اذیت زن، یا برای وادار نمودن او به طلاق و بخشیدن مهریه و سایر انگیزه‌ها، از این حق سوء استفاده می‌کنند.

نکته قابل توجه در این زمینه آن است که حقوق دانان و شارحان قانون مدنی، ماده ۱۱۰۵ را که مقرر می‌دارد: «در روابط زوجین، ریاست خانواده از خصایص شوهر است» به طور شایسته مورد توجه قرار نداده‌اند که این امر موجب برخی توهمات و بد فهمی‌ها شده و گویا ریاست شوهر به معنای سلطه و سیطره بی‌قید و شرط مردان بر زنان است. در این مقاله، ضمن تحریر دقیق محلّ نزاع، ادله‌ی جواز و عدم جواز خروج زن از منزل، بدون اذن شوهر مورد بررسی قرار گرفته و در پایان، نتیجه‌ی بحث، ارائه خواهد شد.

۱- تحریر محلّ نزاع

برای روشن شدن موضوع بحث، شایسته است صورت‌های گوناگون مسأله خروج زن از منزل مطرح شده و نقطه تمرکز بحث مشخص گردد تا معلوم شود که محلّ نزاع فقها کجاست و نقض و ابرام‌ها و اقامه دلایل مربوط به کدام صورت است و گرنه نزاع، لفظی شده و نتیجه روشنی به دست نخواهد آمد:

۱-۱- اگر در ضمن عقد نکاح شرط شود که زن، اجازه خروج از منزل را داشته باشد یا آنکه عقد مبتنی بر اجازه خروج زن از منزل منعقد گردد، مانند آنکه زن اشتغال به کار در خارج از منزل داشته و عقد ازدواج با علم و آگاهی شوهر از وضعیت کار زن و با توافق ضمنی یا صریح او واقع گردد؛ در این صورت، به نظر مشهور فقیهان امامیه، زن برای خروج از منزل در راستای کار مربوط نیازمند اذن شوهر نمی‌باشد. امام خمینی (ره) در این خصوص می‌نویسد: «اگر در ضمن عقد، شرط اشتغال برای زن شده یا عقد مبنی بر این شرط واقع شده است، زن می‌تواند به شغل خود ادامه دهد و شوهر نمی‌تواند مانع

شود». (موسوی خمینی، استفتائات، ۳/۳۵۶)

لکن، این صورت خارج از محلّ بحث است؛ زیرا بحث فقها از جواز یا عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر مربوط به ازدواج‌های متعارف است، یعنی ازدواج‌هایی که در آن‌ها چنین شرطی مطرح نشده باشد.

در هر صورت، چنان‌که کلمات فقها نشان می‌دهد، کلماتی که پس از این مطرح خواهد شد محلّ بحث آن‌ها از جواز یا عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، ازدواج‌های متعارف است، ازدواج‌هایی که در آن‌ها چنین شرطی مطرح نشده باشد. در نتیجه، این فرض از محلّ بحث این مقاله بیرون بوده و مورد بحث قرار نخواهد گرفت.

۱-۲- اگر خروج زن از منزل برای انجام فعل واجب باشد (همانند انجام حجّ واجب و فراگیری احکام واجب) در صورتی که در منزل فراگیری آن ممکن نباشد، در این صورت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر جایز است و در این زمینه میان فقیهان امامیه اختلافی وجود ندارد (محقق حلی، ۵۶۹؛ علامه حلی، ۱۰۸/۳ و ۱۰۹؛ فخرالمحققین، ۳/۲۷۴؛ شهید ثانی، ۸/۴۴۶؛ فاضل هندی، ۷/۵۱۶؛ نجفی، ۳۱/۳۱۴؛ گلپایگانی، ۲/۳۶۵ و امام خمینی، ۲/۲۸۸)

در این خصوص، محقق حلی می‌نویسد: «اگر زن برای انجام واجب همانند حجّ واجب بدون اذن شوهر مسافرت کند، نفقه او ساقط نمی‌شود» (محقق حلی، ۵۶۹). مقصود این است که مسافرت زن برای انجام واجب، بدون اذن شوهر، اشکالی ندارد و موجب تحقق نشوز نمی‌شود و در نتیجه، نفقه او ساقط نمی‌گردد.

صاحب جواهر نیز معتقد است: «اگر زن برای انجام واجب مضیق همانند حجّ واجب و مانند آن، بدون اذن شوهر مسافرت نماید، نفقه او ساقط نمی‌شود؛ بلکه همچنان مستحقّ نفقه خواهد بود، زیرا زن در این صورت معذور است «ولا طاعة لمخلوق فی معصية الخالق» (نجفی، ۳۱/۳۱۴)

همین‌طور، اگر شوهر نفقه واجب زن را نپردازد و راهی برای الزام او نباشد و زن مجبور شود برای تأمین مخارج خود کار کند - چنان‌که امروزه این مسأله در مورد برخی از مردان معتاد محلّ ابتلا است - در این صورت نیز خروج زن از منزل برای کار، بدون اذن شوهر جایز است؛ زیرا در این صورت نیز زن عذر دارد چرا که عذر اعمّ از عذر شرعی و عقلی است؛ چنان‌که وجوب، اعمّ از وجوب شرعی و عقلی است.

شایان ذکر است، جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر برای انجام واجب مورد

اتفاق فقیهان امامیه است و نزاعی که در مورد جواز یا عدم جواز خروج زن از منزل مطرح است، مربوط به این قسم نمی‌باشد، بنابراین، این قسم نیز در این مقاله مورد بحث قرار نخواهد گرفت.

۳-۱- اگر خروج زن از منزل برای انجام فعل بنابراین، واجب نباشد ولی با استمتاع و کامجویی شوهر منافات داشته باشد، در این صورت به اتفاق همه فقیهان امامیه، خروج زن از منزل بدون اذن شوهر جایز نیست؛ زیرا مشهور فقیهان امامیه، به طور مطلق، خروج زن از منزل را در غیر انجام واجب ممنوع می‌دانند؛ خواه منافات با کامجویی شوهر داشته باشد یا نداشته باشد. (شیخ مفید، احکام النساء، ۳۸؛ شیخ طوسی، مبسوط، ۳۳۱/۴؛ ابن زهره، ۳۵۳؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، ۱۰۸/۳؛ شهید ثانی، ۳۰۸/۸؛ فاضل هندی، ۵۱۶/۷؛ سبزواری، ۲۵۱/۲؛ نجفی، ۱۴۷/۳۱؛ امام خمینی، ۲۸۸/۲ و گلپایگانی، ۳۶۵/۲)

بنابراین هرگاه خروج زن با حق کامجویی شوهر منافات داشته باشد، قدر متیقن بوده و جایز نخواهد بود.

در مقابل مشهور، برخی از فقیهانی که خروج زن از منزل بدون اذن شوهر را جایز دانسته‌اند، آن را مشروط به عدم منافات با حق کامجویی شوهر کرده‌اند (فضل الله، ۹۲؛ شمس‌الدین ۸۸/۳ و جناتی، ۱۰۵/۲)

سیدمحمدحسین فضل الله می‌نویسد: «انّ علی المرأة عدم الخروج من البيت الزوجی اذا كان خروجها منافياً لحق الزوج بالاستمتاع فقط» (فضل الله، ۹۲)

بنابراین، خروج زن از منزل بدون اذن شوهر در غیر انجام فعل واجب، هرگاه با حق کامجویی شوهر منافات داشته باشد، به اتفاق فقیهان امامیه جایز نیست و نزاعی که در مورد جواز یا عدم جواز خروج زن از منزل مطرح است، مربوط به این قسم نیست، از این‌رو، این قسم نیز در این مقاله مورد بحث نمی‌باشد.

۴-۱- اگر خروج زن از منزل برای انجام فعل واجب نباشد و با حق کامجویی شوهر نیز منافات نداشته باشد، مانند اینکه بانوی خانه به نحو متعارف و معقول هنگامی که شوهر در سفر یا سرکار است، بدون اذن وی از منزل خارج شود، در مورد این فرض میان فقیهان امامیه اختلاف نظر وجود دارد. مشهور فقهای امامیه قائل به عدم جواز خروج زن از منزل در این فرض شده‌اند، ولی برخی قول به جواز را برگزیده‌اند. آنچه که نزد فقیهان امامیه، در این مسأله محل نزاع است، همین فرض است؛ بنابراین آنچه که در این تحقیق مورد بحث قرار خواهد گرفت، همین فرض است، بنابراین، مسأله پژوهش این است که آیا بیرون رفتن زن از منزل بدون اذن شوهر، در غیر انجام فعل واجب، در

صورتی که با حق کامجویی شوهر منافات نداشته باشد، جایز است یا خیر؟

۲- بررسی اقوال در مسأله

چنان که پیش از این گفته شد، به طور کلی در مسأله مورد بحث دو قول مطرح است:

۲-۱- عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر

مشهور فقیهان امامیه، خروج زن از منزل، بدون اذن شوهر را به طور مطلق ممنوع می‌دانند؛ گرچه خروج وی از منزل با حق کامجویی شوهر منافات نداشته باشد. شیخ مفید در این زمینه می‌نویسد: «بر زن است که از شوهر خود اطاعت نماید و او را در غیر آنچه که خداوند تعالی، حرام فرموده، نافرمانی نکند و حق ندارد از منزلش بدون اذن وی خارج شود، (شیخ مفید، احکام النساء، ۳۸)

امام خمینی (ره) نیز معتقد است: «از جمله حقوق مرد بر همسرش آن است که از منزلش بدون اجازه وی خارج نشود گرچه برای رفتن نزد بستگانش باشد، حتی رفتن به عیادت پدر و شرکت در مجلس عزای وی بدون اذن شوهر، روا نمی‌باشد. (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۲/۲۸۸)

در این خصوص، کلمات اکثر فقیهان امامیه مطلق بوده و دلالت دارند بر اینکه خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، در غیر انجام واجب، به طور مطلق جایز نیست، خواه منافات با حق کامجویی شوهر داشته باشد یا نداشته باشد (شیخ طوسی، ۴/۳۳۱؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، ۳/۱۰۸؛ فخرالمحققین، ۳/۲۷۴؛ شهیدثانی، ۸/۳۰۸؛ سبزواری، ۲/۲۵۱؛ فاضل هندی، ۷/۵۱۶؛ نجفی، ۳۱/۱۴۷ و گلپایگانی، ۲/۳۶۵).

برخی از حقوق‌دانان نیز به پیروی از مشهور فقیهان، همین نظر را اختیار کرده و گفته‌اند: «خروج زن از خانه به هر منظور که باشد باید با موافقت شوهر انجام پذیرد» (محقق داماد، ۳۱۶)

حبیب‌الله طاهری در این زمینه می‌نویسد: «زن متمکنه (غیر ناشزه) علاوه بر تمکین در مقابل استمتاعات جنسی، بایستی مطیع تام و تمام زوج باشد و حتی بدون اجازه او برای عیادت والدین خویش از خانه خارج نگردد» (طاهری، ۳/۲۰۲)

۲-۲- جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر

در مقابل قول مشهور، برخی از فقیهان امامیه، خروج زن از منزل در صورتی که با حق کامجویی شوهر منافات نداشته باشد را جایز می‌دانند. (فضل‌الله، ۹۲؛ شمس‌الدین،

۸۹/۳ و جنّاتی، ۱۰۵/۲)

آیت الله خویی گرچه در نهایت از باب احتیاط، نظر مشهور را برگزیده است ولی در مقام فتوا، عدم جواز خروج زن از منزل را منوط به منافات داشتن آن با حقّ کامجویی شوهر دانسته و می‌نویسد: «در صورتی که خروج زن از منزل با حقّ کامجویی شوهر منافات داشته باشد، خروج وی از منزل، بدون اذن شوهر جایز نیست». (خوئی، منهاج الصالحین، ۲/۲۸۹)

ایشان در جای دیگر گفته است: «دلیلی نداریم بر اینکه خروج زن از منزل بدون اذن شوهر به طور مطلق حرام باشد، اگر چه برای بیرون انداختن آشغال مثلاً پایش را از درب خانه بیرون بگذارد یا آنکه هنگام غیبت شوهرش - به خاطر مسافرت یا زندانی بودن و مانند آن- برای دیدن بستگان یا زیارت امام حسین (علیه السلام) با رعایت جهات شرعی از منزل خارج شود، بر این مطلب به هیچ وجه دلیلی وجود ندارد». (خوئی، موسوعه الإمام الخوئی، ۱۰۰/۲۰)

سید محمد حسین فضل الله در این باره معتقد است: «اکثر علمای اهل سنت و شیعه فتوا می‌دهند که مرد می‌تواند زوجه‌اش را به طور ابد در خانه زندانی نماید در صورتی که همه‌مایحتاج او را تهیه نماید. ما در این مسأله با آنها مخالف هستیم و مشروع بودن این امر را ردّ می‌کنیم. ... ما می‌گوییم: هرگاه خروج زن، با حقّ کامجویی شوهر منافات داشته باشد، فقط در این صورت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، جایز نیست اما در حالت‌های دیگر مانند اینکه شوهر در مسافرت یا سرکار باشد و مانند آن، خروج زن از منزل بدون اذن شوهر جایز است... حتی اگر شوهر او را منع نماید» (فضل الله، ۹۲)

علاوه بر فقیهان یاد شده، از کلمات برخی از فقیهان متقدم نیز همین نظر به دست می‌آید، زیرا گرچه ظاهر کلام آنها، عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر به طور مطلق است ولی با دقت در عبارات آنها، استفاده می‌شود که مقصود آنها خروج متعارف زن سازگار با رعایت حقّ کامجویی شوهر نیست، بلکه مقصود خروج بدون بازگشت است بدین معنی که زن از انجام وظایف خویش سرباز زده و بی‌اعتنا به حقّ شوهر، خانه را ترک نموده و از بازگشت به آن امتناع نماید. از کلام ابن زهره و علی بن محمد قمی بلکه از کلام شیخ مفید در مقنعه همین مطلب استفاده می‌شود.

ابن زهره در این زمینه می‌نویسد: «فإن خرجت من منزله بغير إذنه و امتنعت من العود اليه، سقط عنه فرض نفقتها». (ابن زهره، ۳۵۳)

این عبارت به روشنی دلالت دارد بر اینکه، صرف خروج زن از منزل بدون اذن

شوهر، موجب سقوط نفقه‌ی وی نمی‌شود؛ بلکه اگر زن پس از خروج از منزل از بازگشت امتناع نماید نفقه‌ی او ساقط می‌شود.

با عنایت به رابطه مستقیم میان نشوز زن و ساقط شدن نفقه‌ی وی، از کلام ابن زهره به دست می‌آید که خروجی که موجب نشوز و سقوط نفقه‌ی زن می‌شود، خروج بدون بازگشت و ترک زندگی با شوهر است، بنابراین، خروج متعارف زن سازگار با رعایت حق کامجویی شوهر، موجب نشوز زن نمی‌شود و اشکالی ندارد.

کلام علی بن محمد قمی در این زمینه روشن‌تر است زیرا او مسأله خروج زن از منزل را در هر دو فرض بی‌اذن شوهر و با اذن شوهر مطرح کرده و چنین معتقد است: «فإن خرجت من منزله بغير إذنه أو بإذنه و امتنعت من العود، سقط عنه فرض نفقتها» (قمی، ۴۵۱) شیخ مفید نیز در کتاب «مقنعه» در مسأله نشوز زن و سقوط نفقه‌ی وی، فرض خروج از منزل بدون اذن شوهر را در مقابل فرض اقامه در منزل قرار داده است. (شیخ مفید، المقنعه، ۵۱۸)

این نکته اشاره به این مطلب دارد که مقصود وی از خروجی که باعث نشوز و سقوط نفقه‌ی زن می‌شود، خروج بدون بازگشت و ترک زندگی با شوهر است نه صرف خروج متعارف زن سازگار با رعایت حق کامجویی شوهر. از این رو می‌توان گفت از دیدگاه شیخ مفید در کتاب مقنعه خروج متعارف زن در صورتی که منافات با حق کامجویی شوهر نداشته باشد، اشکالی ندارد.

۳- بررسی ادله

۳-۱- ادله ممنوعیت مطلق خروج زن از منزل بدون اذن شوهر

بر ممنوعیت مطلق خروج زن از منزل بدون اذن شوهر که قول مشهور فقیهان امامیه است ادله متعددی اقامه شده است که مهمترین آنها در دو حوزه آیات و روایات بیان می‌شود:

۳-۱-۱- آیات

مهمترین دلیل مورد استناد برای اثبات قول مشهور دو آیه است:

الف - آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ». (النساء، ۳۴)

«مردان سرپرست و نگهبان زنانند به خاطر برتری‌هایی که خداوند برای بعضی نسبت به

بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند». برخی از فقیهان، از این آیه قیومت و سلطه بی‌قید و شرط مردان بر زنان را استفاده کرده‌اند به گونه‌ای که مردان بر زنان ولایت داشته و نسبت به آن‌ها حق امر و نهی دارند در نتیجه، مرد می‌تواند زن را نسبت به خروج از منزل منع نماید؛ گرچه خروج منافاتی با کامجویی وی نداشته باشد.

در این خصوص، فاضل مقداد می‌نویسد: «الرجال قوامون على النساء» یعنی مردان بر زنان ولایت دارند، سیاست و امر و نهی آن‌ها با مردان است». (فاضل مقداد، ۲۱۱/۲) مرحوم طبرسی نیز در مجمع البیان گفته است: «الرجال قوامون على النساء» یعنی مردان سرپرست زنان بوده و بر آن‌ها سلطه دارند، تدبیر امور زنان، تأدیب، وادار کردن آن‌ها بر انجام تکالیف و تعلیم آن‌ها بر عهده مردان است. (طبرسی، ۴۳/۲) همین‌طور، مرحوم محقق اردبیلی گفته است: «الرجال قوامون على النساء» یعنی مردان نسبت به امور زنان قیام می‌نمایند و همانند سیطره‌والی بر رعیت، بر آن‌ها سلطه دارند» (محقق اردبیلی، ۶۷۷)

بر اساس دیدگاه یاد شده، مقصود از «الرجال قوامون على النساء» تسلط و سیطره بی‌قید و شرط مردان بر زنان است و زنان باید تحت فرمان مردان زندگی نمایند در نتیجه، اختیار خروج آن‌ها از منزل نیز به دست مردان است.

دقت در معنای لغوی واژه قوام و کلمات صاحب نظران ما را به این نتیجه می‌رساند که دیدگاه یاد شده صحیح نبوده و مراد از قوام بودن مرد، سیطره و سلطه بی‌قید و شرط او نیست؛ بلکه قائم بودن یک فرد بر شوون فرد دیگر به معنای قیام وی نسبت به تأمین مصالح و منافع و در واقع قیام به خدمت به آن فرد است. بنابراین، قوام بودن مرد به معنای ریاست مرد در چارچوب مصالح و منافع زن است؛ ریاستی که مرؤوس به اختیار و اراده خود تصرف می‌کند نه اینکه مرؤوس، مقهور و بی‌اختیار باشد و هیچ عملی را بی‌اذن رئیس انجام ندهد.

در لسان العرب آمده است: «گاهی قیام به معنای محافظت و اصلاح است و از این قبیل است، سخن خداوند متعال که فرمود: «الرجال قوامون على النساء». (ابن منظور، ۴۹۷/۱۲) در کتاب العین نیز گفته شده: «قیام قوم کسی است که امور آن‌ها را اداره کرده و آن‌ها را اصلاح می‌کند». (فراهیدی، ۱۵۴۳/۳)

قطب الدین راوندی نیز در این خصوص چنین می‌نویسد: «القوام على الغير، یعنی کسی که متکفل و عهده‌دار امر او از قبیل هزینة، پوشاک و سایر نیازمندی‌ها است». (راوندی، ۱۱۶/۲)

عَلَّامَه طباطبائی در تفسیر آیه «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» گفته است: «قیمومت مرد بر زن به این معنی نیست که اراده و تصرف زن نسبت به ملکش نافذ نباشد یا آنکه زن در حفظ حقوق فردی و اجتماعی خود استقلال نداشته باشد؛ بلکه معنایش این است که مرد به خاطر اینکه در مقابل استمتاع از زن، انفاق مالی می‌کند، بر زن است که از او هنگام حضورش در مورد هر آنچه که مربوط به استمتاع و آمیزش است اطاعت نماید.» (طباطبائی، ۳۴۳/۴)

پس طبق نظر عَلَّامَه طباطبائی، لزوم اطاعت زن از مرد مطلق نیست، بلکه در هنگام حضور، آن هم محدود به امور مربوط به استمتاع و آمیزش است؛ بنابراین به نظر وی، هرگاه خروج زن از منزل، منافات با استمتاع شوهر نداشته باشد، جایز خواهد بود. شیخ طوسی در تفسیر آیه «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» اساساً، سلطنت، مزیت و برتری مردان بر زنان را مطرح نکرده است، بلکه تأمین منافع و مصالح زنان را مفاد آیه دانسته و چنین گفته است: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» بدین معنی است که مردان متکفل و عهده‌دار حقوق زنان هستند، حقوقی که به نفع آن‌ها برعهده مردان است» (طوسی، مبسوط، ۳۲۴/۴)

آیت‌الله جوادی آملی نیز وجود برتری و مزیت را برای مرد مردود شمرده و قوام بودن مرد را نوعی تکلیف و مسؤولیت دانسته و در تفسیر آیه «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» چنین می‌نویسد: «چون مرد مسؤول تأمین هزینه زندگی است، سرپرستی داخل منزل هم با اوست، و این سرپرستی فضیلتی برای مرد نیست؛ بلکه کاری اجرایی و وظیفه است ... قیمومت در زبان قرآن به معنای فرمان‌روائی و سالارگری نیست بلکه یعنی سرپرستی و مدیریت و مسؤولیت‌پذیری و چنین قیمومتی نه تنها مقام نیست که بار برداری و خدمت‌گذاری است.» (جوادی آملی، ۳۲۶-۳۲۹)

نتیجه بحث آنکه، آیه «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» دلالتی بر سیطره و سلطه‌ی بی‌قید و شرط مرد بر زن و لزوم اطاعت مطلق زن از شوهر ندارد. در نتیجه، دلالتی بر عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر در صورت عدم منافات با استمتاع شوهر ندارد.

با عنایت به مباحث ارائه شده، تفسیر ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی روشن می‌شود؛ این ماده مقرر می‌دارد: «در روابط زوجین، ریاست خانواده از خصایص شوهر است» مباحث پیشین آشکار می‌سازد که ریاست مذکور به معنای قیمومت و سرپرستی در چارچوب مصالح و منافع زن با حفظ استقلال وی در حقوق فردی و اجتماعی است نه اینکه زن در برابر اراده شوهر مقهور و بی‌اراده بوده و هیچ عملی را بی‌اذن او انجام ندهد.

ب- آیه ۳۳ سوره مبارکه احزاب: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ

الْأُولَى». (الأحزاب، ۳۳)

«و در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین به خودنمایی بیرون نیابید». برخی فقها برای اثبات ممنوعیت مطلق خروج زن از منزل بدون اذن شوهر به این آیه تمسک جسته‌اند (مشکینی، ۱۶۸) زیرا خداوند متعال به زن‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) به طور مطلق و بدون هیچ قید و شرطی دستور داده که در خانه‌هایشان بمانند و بیرون نروند، چرا که «قَرْنَ» از ریشه قرار به معنای ثبات است. چنان‌که راغب گفته است: «قَرَّ فِي مَكَانِهِ يَقَرُّ قَرَارًا إِذَا ثَبَتَ ثَبُوتًا جَامِدًا» (راغب اصفهانی، ۳۹۷) از طرفی، امر، دلالت بر وجوب دارد. (آخوند خراسانی، ۷۰)

گرچه در این آیه، خطاب به زن‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) است، ولی تنقیح مناط باعنایت به سبب و تقسیم ما را به این نتیجه می‌رساند که در این زمینه زن‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) خصوصیتی ندارند؛ به ویژه آنکه، خصایص پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) و زوجات او در قرآن کریم و روایات ذکر شده است که در میان آن‌ها چیزی به عنوان ماندن در خانه و عدم جواز تبرج مطرح نشده است. (فاضل مقداد، ۲۴۸/۲-۲۳۷) بنابراین، مسأله ماندن در خانه و عدم جواز خروج، که در این آیه بدان امر شده، اختصاص به زن‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) ندارد و شامل سایر زنان نیز می‌شود.

از دقت در مفاد این آیه و آیه پیشین به دست می‌آید که این آیه دلالتی بر ممنوعیت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر ندارد؛ زیرا گرچه تنقیح مناط یاد شده درست است و آیه مورد بحث، اختصاص به زن‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) ندارد، ولی آیه از لحاظ جواز یا عدم جواز خروج زن از منزل با عنایت به حق شوهر نیست؛ زیرا چنان‌که آیه پیشین نشان می‌دهد: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (الأحزاب ۳۲) موضوع بحث آیه حفظ عفت و حجاب است که خداوند متعال به زنان پیامبر فرمود در خانه‌های خود بمانید و همانند جاهلیت نخستین - که زنان با لباس‌های بدن نما بیرون می‌آمدند - در جامعه ظاهر نشوید، بنابراین، آیه مورد بحث ارتباطی به جواز یا عدم جواز خروج زن از منزل، از نظر رعایت حق شوهر ندارد. بدین معنی که این آیه، از این نظر در مقام بیان نیست؛ چرا که مورد بحث آیه به قرینه آیه پیشین، موضوع حق شوهر نیست؛ بلکه مسأله عفاف و حجاب است.

۲-۱-۳- روایات

روایات متعددی به عنوان ادله‌ی قول مشهور، مطرح شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

الف - «عن ابی عبداللّٰه (علیه السلام) قال: جاءت امرأة الی رسول اللّٰه فقالت: یا رسول اللّٰه ما حقّ الزوج علی المرأة؟ فقال: اکثر من ذلک، قالت: فخبّرنی عن شیء منه قال: لیس لها أن تصوم آلاً باذنه یعنی تطوعاً و لا تخرج من بیتهای بغير اذنه... (حرّ عاملی، ۱۱۲/۱۴ و کلینی، ۵۰۸/۵) «امام صادق (علیه السلام) فرمود: زنی خدمت پیامبر آمد و گفت: ای رسول خدا، حقّ شوهر بر زن چیست؟ پیامبر فرمود: بیشتر از آن (چه می‌اندیشی) زن گفت: پاره‌ای از آن را بر من بازگو، پیامبر فرمود: زن حق ندارد بی‌اجازه شوهر، روزه مستحبی بگیرد و نیز حق ندارد بدون اذن شوهر از خانه‌اش خارج شود».

این حدیث از نظر دلالت بر عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، در صورتی که خروج منافی با حقّ کامجویی شوهر نباشد، صریح نیست؛ ولی اطلاق دارد و با اطلاق خود شامل موردی که خروج، منافی با کامجویی شوهر نباشد نیز می‌شود.

اما اشکال مهمّ این حدیث آن است که از نظر سند ضعیف است و قابل استناد نیست زیرا در سلسله سند آن محمدبن احمد جامورانی، علی بن ابی حمزه بطائنی و عمرو بن جبیر عزمی قرار دارند که همه آن‌ها ضعیف هستند؛ چرا که در مورد جامورانی از سوی دانشمندان علم رجال توثیقی وارد نشده است، نه توثیق خاص و نه توثیق عام. (اردبیلی، ۴۴۱/۲) لکن، علامه حلی در مورد وی گفته است: «اهل قم او را تضعیف نموده و روایت‌های او را از کتاب نوادرالحکمه کنار گذاشته‌اند، او در مذهب خود اهل غلو بوده است». (علامه حلی، خلاصه الاقوال، ۴۰۴)

علی بن ابی حمزه بطائنی نیز از سوی دانشمندان علم رجال به نحو عام یا خاص توثیق نشده است؛ او پیرو مذهب واقفی بوده است (شیخ طوسی، رجال الطوسی، ۳۳۹؛ نجاشی، ۲۴۹ و علامه حلی، خلاصه الاقوال، ۳۶۲)

علامه حلی درباره او گفته است: «ابوالحسن علی بن حسن بن فضال گفته است: علی بن ابی حمزه دروغ‌گو، واقفی، متهم و ملعون بوده است. (حلی، همان)

علامه تستری گرچه در مورد علی بن ابی حمزه نقض و ابرام‌هایی انجام داده است ولی از سخن او توثیقی برای علی بن ابی حمزه به دست نمی‌آید (تستری، ۲۶۸/۷) مرحوم خویی نیز درباره علی بن ابی حمزه می‌نویسد: «و بالتّیجّه یعامل معه معامله الضعیف» (موسوی خویی، معجم رجال الحدیث، ۲۲۶/۱۱) در معجم الثقات گرچه علی

بن ابی حمزه را از ثقات ابن ابی عمیر و صفوان و بزنی شمرده است، ولی در عین حال کلام علامه را نقل نموده که او کذاب، واقفی و متهم بوده است. (تجلیل تبریزی، ۱۸۲) عمرو بن جبیر عزمی نیز از سوی علمای علم رجال به نحو عام یا خاص توثیق نشده است. (اردبیلی ۶۱۸/۱) بنابراین سه تن از سلسلهٔ راویان حدیث یاد شده، ضعیف هستند. بنابراین، این حدیث قابل استناد نمی‌باشد.

ب- «علی بن جعفر فی کتابه، عن أخیه قال: سألتُه عن المرأة ألها أن تخرج بغير إذن زوجها؟ قال: لا...». (حرّ عاملی، ۱۳/۱۴ و مجلسی، ۲۸۲/۱۰)

«علی بن جعفر در کتابش از برادرش امام کاظم (علیه‌السلام) نقل می‌کند که: از امام سؤال کردم که آیا زن می‌تواند بدون اجازهٔ شوهرش از خانه خارج شود؟ امام فرمودند: نه» این روایت نیز در دلالت بر قول مشهور صریح نیست ولی اطلاق دارد؛ از این‌رو، از طریق اطلاق، شامل قول مشهور شده و دلالت بر عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر دارد؛ گرچه خروج با کامجویی شوهر منافات نداشته باشد.

ولی اشکال این روایت آن است که از نظر سند ضعیف است؛ زیرا این روایت تنها در کتاب علی بن جعفر (علیه‌السلام) که در بحارالانوار نقل شده، موجود است (مجلسی، ۲۸۲/۱۰) سند روایت کتاب علی بن جعفر (علیه‌السلام) که در بحار آمده ضعیف است؛ زیرا سند مشتمل بر احمد بن موسی بن جعفر بن ابی العباس و علی بن حسن بن علی است که از سوی دانشمندان علم رجال به نحو خاص یا عام توثیق نشده‌اند.

اما آنچه که در رجال نجاشی و در کتاب فهرست شیخ طوسی و در مشیخهٔ کتاب من لایحضره الفقیه، به عنوان سند کتاب علی بن جعفر (علیه‌السلام) ذکر شده‌اند (نجاشی، ۲۵۲؛ شیخ طوسی، فهرست، ۱۵۱ و صدوق، ۴۲۲/۴) مربوط به کتابی که اکنون در دسترس است و به روایت بحارالانوار می‌باشد نیست به ویژه آن که سندهایی را که شیخ صدوق، شیخ طوسی و نجاشی ذکر کرده‌اند، با آنچه که در کتاب بحار آمده به طور کامل با یکدیگر تفاوت دارند.

وانگهی روایت مورد بحث «سألته عن المرأة ألها أن تخرج بغير إذن زوجها...» در کتاب علی بن جعفر (علیه‌السلام) که در قرب الإسناد حمیری آمده است، موجود نیست (حمیری، ۳۰۰-۱۷۶) و این امر بر سستی روایت می‌افزاید. در نتیجه، روایت دوم نیز از نظر سند ضعیف و قابل استناد نمی‌باشد.

ج - «عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر (علیه‌السلام) قال: جاءت امرأة الى النبی (صلی الله علیه و آله) فقالت: یا رسول الله ما حق الزوج علی المرأة؟ فقال: لها ان تطیعه و لا تعصیه

... ولا تخرج من بيتها الا بإذنه و إن خرجت بغير اذنه لعنتها ملائكة السماء و ملائكة الأرض و ملائكة الغضب و ملائكة الرحمة حتى ترجع الى بيتها» (حرّ عاملی، ۱۱۲/۱۴)

«امام باقر(علیه السلام) فرمود: زنی نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا، حق شوهر بر زنش چیست؟ پیامبر به او فرمود: این که از شوهر اطاعت کند و او را نافرمانی نکند و بی اجازه او از خانه خارج نشود و اگر بدون اجازه او بیرون رود، فرشتگان آسمان و زمین، و ملائکه غضب و رحمت، او را لعن می کنند تا زمانی که به خانه برگردد.»

این روایت از نظر سند صحیح است و از نظر دلالت مطلق است؛ در نتیجه، شامل قول مشهور می شود و بر عدم جواز خروج زن از منزل بی اذن شوهر دلالت دارد؛ گرچه خروج با کامجویی شوهر منافات نداشته باشد. ولی نکته ای که دلالت یاد شده را تضعیف می کند، کیفری است که در ادامه روایت بر خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، مترتب شده و گفته است: اگر بدون اذن شوهر از منزل بیرون رود، فرشتگان آسمان و زمین و ملائکه غضب و رحمت او را لعن می کنند.

وجود چنین کیفری برای زنان سازگار و نیکوکار که برای اموری همانند عیادت پدر و مادر از خانه خارج می شوند آن هم به نحوی که منافاتی با کامجویی شوهر نداشته باشد، با بسیاری از آموزه های دینی منافات دارد. از جمله با آیات شریفه «و عاشر و هُنّ بالمعروف» با زنان خود به شایستگی معاشرت نمایند (النساء، ۱۹) «فأمسكوهنّ بمعروف او سرحوهنّ بمعروف» پس زنان را به خوبی نگاهشان دارید یا به خوبی آزادشان کنید. (البقره، ۲۳۱)

بنابراین شایسته است این روایت را حمل بر زنان ناسازگار و نافرمان نموده که از انجام وظایف خویش سرباز زده و بدون رعایت حق کامجویی شوهر، خانه و خانواده را رها می کنند. پس این روایت منافاتی با خروج متعارف زن سازگار، با رعایت حق کامجویی شوهر ندارد.

چنان که از کلام آیت الله خویی و برخی فقهای متقدم و متأخر به دست می آید که عدم جواز خروج زن از منزل بی اذن شوهر، مربوط به خروج متعارف زن سازگار با رعایت حق کامجویی شوهر نیست (ابن زهره، ۳۵۳؛ علی بن محمد قمی، ۴۵۱؛ خویی، ۲۸۹/۲؛ فضل الله، ۹۲ و شمس الدین، ۸۹/۳)

د - «عن ابی عبد الله (علیه السلام) قال: إن رجلاً من الأنصار علی عهد رسول الله (صلی الله علیه و آله) خرج فی بعض حوائج فعهده الی امرأته عهداً أن لا تخرج من بیتها حتى یقدم، قال: و ان أباهما قد مرض فبعث المرأة الی رسول الله تستأذنه أن تعودة فقال:

لا، اجلسی فی بیتک و اطیعی زوجک، قال: فنقل فأرسلت الیه ثانیاً بذلك فقال: اجلسی فی بیتک و اطیعی زوجک، قال فمات ابوها فبعثت الیه انّ ابی قدمات فتأمرنی ان اصلى علیه، فقال: لا، اجلسی فی بیتک و اطیعی زوجک. قال: فدفن الرجل فبعث الیهما رسول الله إنّ الله قد غفر لك و لأبیک بطاعتک لزوجک» (حرّ عاملی، ۱۲۵/۱۴)

«امام صادق(علیه السلام) فرمود: در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) مردی از انصار برای انجام برخی از امور به مسافرت رفت و از زنش پیمان گرفت که از خانه اش خارج نشود تا آنکه او باز گردد. پس در این میان، پدر آن زن بیمار شد، زن به پیامبر پیغام فرستاد و از ایشان اجازه خواست که به عیادت پدرش برود. پیامبر فرمود: نه، در خانه ات بنشین و از شوهرت اطاعت کن. پس حال پدرش بدتر شد، زن دوباره از پیامبر برای رفتن به عیادت پدرش اجازه خواست، باز پیامبر فرمود: در خانه ات بنشین و از شوهرت اطاعت کن. پدر آن زن فوت کرد پس زن به پیامبر پیغام فرستاد که پدرم فوت کرده است آیا اجازه می دهی که بر او نماز گزارم؟ پیامبر فرمود: نه، در خانه ات بنشین و از شوهرت اطاعت کن. پس هنگامی که پدر دفن شد پیامبر به آن زن پیام فرستاد که خداوند تو و پدرت را به سبب اطاعتی که از شوهرت نمودی بخشیده است.»

این روایت از نظر سند معتبر است؛ زیرا به دو طریق روایت شده است؛ یکی طریق مرحوم کلینی (کلینی، ۵/۵۱۳) و دیگری شیخ صدوق (صدوق، ۳/۴۴۱) طریق مرحوم کلینی گرچه ضعیف است ولی طریق شیخ صدوق صحیح است.

این روایت از نظر دلالت، به طور واضح دلالت بر قول مشهور دارد، زیرا درباره این حدیث نمی توان گفت، منع بیرون رفتن زن، مربوط به حق کامجویی شوهر است؛ چرا که مورد حدیث جایی است که اساساً شوهر مسافرت رفته و در خانه حضور ندارد، ولی اشکالی که بر دلالت حدیث وارد است، این است که در صدر آن، مسأله عهد و پیمان میان زن و شوهر مطرح شده است؛ بدین معنی که شوهر از زن خود عهد گرفته که تا زمان بازگشت او زن از منزل خارج نشود. لذا ممکن است عدم اذن پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به بیرون رفتن زن برای عیادت و سپس در مراسم دفن پدرش، به خاطر عهد و پیمان بوده که میان آن مرد و همسرش منعقد شده بود نه اینکه اقتضای زناشویی و حق مرد بر زن این باشد که زن حتی در صورت عدم منافات خروج با حق کامجویی شوهر، از عیادت نزدیکترین کسان خود و شرکت در سوگواری او منع شده باشد.

آنچه که این نظر را تقویت می کند این است که ممنوع کردن بی قید و شرط خروج

زن از منزل شوهر به گونه‌ای که مجاز به عیادت پدر و مادر بیمار و شرکت در مراسم سوگواری آنها نباشد با روح کلی شریعت و آموزه‌های دینی سازگار نیست، چگونه دین اسلام با آن همه سفارش‌هایی که درباره زنان کرده است، مانند: «وعاشروهنّ بالمعروف» (النساء، ۱۹) «فأمسکوهنّ بمعروف او فارقوهنّ بمعروف» (الطلاق، ۲) آنها را از عیادت و شرکت در سوگواری نزدیک‌ترین کسان خویش منع کند و جوشش احساسات و عواطف انسانی آنها را در چنین هنگامه‌ای نادیده گیرد.

چنان که مهدی شمس‌الدین می‌نویسد: «اگر این روایت واقعاً از پیامبر (صلی الله علیه و آله) صادر شده باشد بیانگر یک قضیه در یک واقعه خاص می‌باشد؛ چرا که حکم در آن، حکم خاص بوده و یک حکم کلی الهی نیست. گویا در آن خانواده، مسائل خاصی وجود داشته که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از آن آگاه بوده و در نتیجه، به آن زن اجازه عیادت پدر و حاضر شدن در جنازه‌اش را نداده است؛ چرا که آن کسی که به زن اجازه نداده پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده است نه شوهر غایب او. اساساً، روایت دلالتی ندارد که شوهر آن زن از بیماری پدرش آگاه بوده است؛ بلکه ظاهر روایت نشان می‌دهد که بیماری پدر پس از سفر شوهر، پدید آمده است، در نتیجه اگر شوهر، زن را از امور یاد شده نهی می‌کرد، بدون شک بر خلاف معاشرت نیکو و امساک به معروف می‌بود». (شمس‌الدین، ۹۳/۳)

بنابراین مناسب این است که این روایت را حمل بر موردی خاص نمود؛ چنان که در صدر روایت بدان تصریح شده است.

هـ - عن الصادق عن آبائه (عليهم السلام) عن النبي ... قال: و نهی أن تخرج المرأة من بيتها بغير اذن زوجها، فإن خرجت لعنها كل ملك في السماء و كل شيء تمر عليه من الجن و الإنس حتى ترجع الي بيتها». (حرّ عاملی، ۱۴/۱۵۴) «امام صادق (عليه السلام) فرمود: پیامبر (صلی الله علیه و آله) نهی نمود از این که زن از خانه خود بی‌اذن شوهر خارج شود. پس اگر زن بی‌اذن شوهر از منزل خارج شود همه فرشتگان آسمان او را لعن می‌کنند و نیز هر آن چیزی که بر آن می‌گذرد از جن و انس او را لعن می‌کنند تا به خانه‌اش باز گردد.»

این روایت از نظر سند ضعیف است؛ زیرا آن را شیخ صدوق از طریق شعیب بن واقد روایت کرده است؛ در حالی که طریق شیخ صدوق به شعیب بن واقد صحیح نیست. (شیخ صدوق، ۴/۵۳۲) خود شعیب بن واقد نیز موثق نیست؛ زیرا در مورد او نه به صورت خاص و نه به صورت عام، توثیقی وارد نشده است. (اردبیلی، ۱/۴۰۱) لکن، در کتاب‌های رجالی معتبر همانند نجاشی، رجال و فهرست شیخ طوسی و خلاصة الأقال

علامه حلی، اساساً نام او ذکر نشده است. علاوه بر این، روایت از نظر متن نیز خالی از اشکال نیست؛ زیرا بر جنّ و انس، اطلاق شیء نموده است که متداول نمی‌باشد، نکته دیگر آنکه، مرتکب کبیره مستحقّ لعن است در حالی که صرف خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، اگر گناه هم باشد، کبیره بودن آن ثابت نشده است. (شمس الدین، ۴۴/۳) در حالی که در این روایت به صورت غلاظ و شداد گفته است: «فإن فرجت لعنها کلّ ملک فی السّماء و کلّ شیء تمرّ علیه من الجنّ و الإنس».

بنابراین، این روایت علاوه بر ضعف سند، از نظر متن نیز خالی از اشکال نیست. نتیجه بحث آنکه، ادلّه قول مشهور مبنی بر ممنوعیت مطلق خروج زن از منزل بدون اذن شوهر در غیر انجام واجب تمام نیست؛ زیرا آیات مورد استناد، دلالتی بر مدّعی مشهور ندارند. روایات هم برخی از نظر سند و برخی از نظر دلالت و برخی هم از نظر سند و هم از نظر دلالت ضعیف می‌باشند.

۲-۳- ادلّه جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر

آشکار شد که ادلّه قول مشهور مبنی بر ممنوعیت مطلق خروج زن از منزل بدون اذن شوهر در فرض مورد بحث تمام نیست. در مقابل، ادلّه متعدّدی وجود دارد که نشان می‌دهد، خروج زن از منزل بدون اذن شوهر در صورت عدم منافات با کامجویی شوهر، جایز است. این ادلّه عبارتند از:

الف- اصل

حال که دلیل قابل اعتمادی بر حرمت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر در صورت عدم منافات با حقّ کامجویی شوهر، نداریم هنگام شک در این‌که بیرون رفتن زن در فرض یاد شده حرام است یا خیر؟ مقتضای اصالة الإباحة جواز است، زیرا فرض این است که خروج وی، منافاتی با حقّ کامجویی شوهر ندارد، لذا در صورت تمام نبودن ادلّه حرمت خروج، مقتضای اصل، جواز و اباحه خروج در این فرض می‌باشد.

ب- آیات

بر اساس آیات قرآن کریم، مردان وظیفه دارند زنان خود را به شایستگی نگاه دارند، و با آن‌ها معاشرت نیکو داشته باشند: «فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ» پس زنان را به شایستگی نگاه دارید یا به شایستگی آزادشان کنید. (البقره، ۲۳۱). «فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ» آن‌ها را به شایستگی نگاه دارید یا به شایستگی از آن‌ها جدا شوید. (الطلاق، ۲)

این آیات گرچه مربوط به طلاق است، ولی فقره اول آن‌ها یعنی «فأمسکوهنّ بمعروف» مربوط به رجوع در حال عدّه و نگاه داشتن زن است. (طوسی، التّبیان، ۲/۲۴۹ و ۱۰/۳۰؛ طبرسی، ۲/۸۵ و ۱۰/۳۲ و طباطبائی، ۲/۲۳۶ و ۱۹/۳۱۳) خداوند متعال امر فرموده است که در صورت رجوع، نگاه داشتن زن باید به نحو معروف باشد و معروف عبارت است از: هر حقی که عقل یا شرع بدان حکم نماید. (طوسی، التّبیان، ۲/۲۴۹ و طبرسی، ۲/۸۵) چنان‌که راغب گفته است: «معروف اسم است برای هر عملی که نزد عقل یا شرع نیکو شمرده می‌شود.» (راغب، ۳۳۱) پس معروف چیزی است که عقل فطری، انسان بدان هدایت کند و شرع هم آن را تأیید نماید.

روشن است که در نگاه داشتن زن به نحو معروف، مسأله رجوع که مورد بحث آیه است خصوصیتی ندارد، بنابراین با عنایت به صیغه امر «فأمسکوهنّ» که دلالت بر وجوب دارد، مستفاد از آیات یاد شده آن است که بر مرد واجب است، همیشه همسر خویش را به نحو معروف نگاه داشته باشد، در حالی که ممنوع کردن بی‌قید و شرط خروج زن از منزل بدون اذن شوهر به گونه‌ای که حتی برای عیادت پدر و مادر یا شرکت در مراسم سوگواری آن‌ها هنگام مرگ، بدون اذن وی مجاز نباشد، به این معنی است که به شوهر حق داده می‌شود که همسرش را به طور ابد زندانی نماید. روشن است که این امر با مدلول آیه که امساک به معروف باشد منافات دارد و نیز بر خلاف رفتاری است که نزد عقل و عقلا شایسته زن است، چنان‌که سید محمد حسین فضل الله، فتوای مشهور فقها را مساوی با دادن مجوز به مرد برای زندان ابد کردن زن دانسته و می‌نویسد: «یفتی اکثر علماء السنّة و الشّیعة ان بامکان الرّجل ان یسجن زوجته سجناً مؤبداً مع تقدیم کل ما تحتاحه». (فضل الله، ۹۲)

و چنان‌که برخی از حقوق‌دانان گفته‌اند: هرگاه مرد بر خلاف متعارف از خروج زن از خانه و بازدید خویشان و دوستانش جلوگیری کند، رفتار او سوء معاشرت به شمار می‌آید. (صفائی و امامی، ۱۳۳)

وانگهی، آیه «و عاشروهنّ بالمعروف» در این زمینه به عنوان مؤید قابل طرح است؛ زیرا نظر مشهور مبنی بر ممنوعیت مطلق خروج زن از منزل بدون اذن شوهر و اجازه دادن به مرد برای اینکه زن را تا ابد زندانی کند، با مدلول آیه که معاشرت نیکو باشد، سازگار نمی‌باشد.

ج - قاعده نفی حرج

قول مشهور مبنی بر این‌که مرد حق دارد زن خود را به طور مطلق نسبت به خارج

شدن از منزل منع نماید در بسیاری از مواقع، موجب عسر و حرج برای زن می‌شود، زیرا بر اساس این قول به مرد اجازه داده می‌شود که زن خود را به طور ابد در خانه زندانی نماید، روشن است که چنین امری برای زن، عواقب روحی و روانی فراوانی خواهد داشت. بنابراین نظریه ممنوعیت بی‌قید و شرط خروج زن از منزل بدون اذن شوهر و اعمال این حق از سوی وی موجب عسر و حرج برای زن می‌شود که قاعده نفی حرج آن را مسدود می‌سازد بلکه بنا بر قول سید محمدحسین فضل‌الله، اینکه مرد حق داشته باشد که زنش را به طور ابد زندانی نماید، بزرگترین حرج برای زن است؛ خواه مرد این حق را اعمال کند. (فضل‌الله، ۹۲)

لازم به ذکر است، هرگاه خروج زن از منزل به هیأت غیر مشروع باشد، مانند این که حجاب شرعی را مراعات نکند یا آنکه آرایش‌های نامناسب و غیر شرعی انجام دهد، یا آنکه بیرون رفتن به صورت تحریک آمیز باشد، بیرون رفتن زن از منزل جایز نیست و ارتباطی به اذن یا عدم اذن شوهر ندارد، زیرا در این موارد حتی اگر شوهر راضی به خروج زن با هیأت‌های یاد شده باشد و به زن اجازه خروج بدهد، خروج زن جایز نمی‌باشد. و اگر هدف زن از خروج از منزل انجام امور محرم باشد، در این صورت نیز خروج وی از منزل حرام است و ارتباطی به اجازه شوهر ندارد؛ چرا که در این فرض حتی اگر شوهر اجازه دهد و راضی به انجام امور محرم از سوی زن باشد، باز هم بیرون رفتن زن با هدف یاد شده حرام می‌باشد. در این گونه موارد، شوهر از باب نهی از منکر و ریاست خانواده، وظیفه دارد در حد امکان همسرش را از امور یاد شده باز دارد و نیز او را از بیرون رفتن از منزل با هیأت‌های ذکر شده منع نماید.

نکته پایانی آنکه، مسأله جواز یا عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، در صورت عدم منافات با حق استمتاع شوهر، مربوط به شرایط عادی است؛ بنابراین هرگاه خروج زن از منزل از نظر زمان یا مکان یا شرایط دیگر به گونه‌ای باشد که عفت او را تهدید نماید یا آنکه مفاسد دیگری داشته باشد، شوهر حق دارد به عنوان سرپرست خانواده از بیرون رفتن او جلوگیری نماید، زیرا سرپرستی خانواده با شوهر است و مقام سرپرستی اقتضا دارد در مواردی که حفظ نظام خانواده و حراست از عفت زن اقتضا کند برای وی محدودیت‌هایی منظور نماید. چنان که قانون مدنی در ماده ۱۱۰۵ مقرر می‌دارد: «در روابط زوجین، ریاست خانواده از خصایص شوهر است».

نتیجه‌گیری

خروج متعارف زن از منزل بدون اذن شوهر با رعایت حق کامجویی شوهر جایز است

و آیات قرآن کریم بر آن دلالت داشته و مقتضای اصل و قاعده نیز می‌باشد. ادله قول مشهور مبنی بر ممنوعیت مطلق خروج زن از منزل بدون اذن شوهر در غیر انجام واجب تمام نیست، آیات مورد استناد دلالتی بر مدّعی آن‌ها ندارند. روایات مورد استناد نیز، برخی از نظر سند و برخی از نظر دلالت و برخی از هر دو جهت ضعیف هستند. پس خروج زن از منزل بدون اذن شوهر در فرض یاد شده جایز خواهد بود؛ گرچه مقتضای احتیاط برای زن، به دست آوردن اذن شوهر هنگام خروج از منزل است.

منابع

قرآن کریم.

- [۱]. آخوند خراسانی، محمد کاظم، (۱۴۰۹ ق)، *کفایة الأصول*، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث.
- [۲]. ابن زهره، حمزة بن علی، (۱۴۱۷ق)، *غنیة التّزوع*، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق(علیه‌السلام).
- [۳]. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- [۴]. اردبیلی، محمد بن علی، (۱۴۰۳ ق)، *جامع الرواة*، قم، مکتبه المرعشی النجفی.
- [۵]. تستری، محمد تقی، (۱۴۱۸ق)، *قاموس الرجال*، چاپ سوم، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- [۶]. جنّاتی، محمد ابراهیم، (۱۳۸۲)، *رسالة توضیح المسائل*، چاپ اول، قم، انصاریان.
- [۷]. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۵)، *زن در آیین جلال و جمال*، چاپ سیزدهم، قم، مرکز نشر اسراء.
- [۸]. جبعلی عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، (۱۴۱۸ ق)، *مسائل الأفهام*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة.
- [۹]. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشّیعه، دار احیاء التراث العربی*، بیروت.
- [۱۰]. حمیری، عبدالله، (۱۴۱۳ ق)، *قرب الإسناد*، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البیت لأحياء التراث.
- [۱۱]. راوندی، قطب‌الدین، (۱۳۹۹ ق)، *فقه القرآن*، قم، انتشارات خیّام.
- [۱۲]. سبزواری، مولی محمدباقر، (۱۴۲۳ ق)، *کفایة الفقه (کفایة الاحکام)*، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- [۱۳]. شمس الدین، محمد مهدی، (۱۹۹۶ م)، *مسائل حرجة فی فقه المرأة*، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الدّولیه للدراسات و النشر.
- [۱۴]. طاهری، حبیب‌الله، (۱۳۷۶)، *حقوق مدنی*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۱۵]. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۳ ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، قم، مکتبه المرعشی النجفی.
- [۱۶]. طباطبائی سیدمحمد حسین، (۱۳۹۴ ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

- [۱۷]. طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۳۱ ق)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، چاپ اول، بیروت، الأمیره.
- [۱۸]. همو، (۱۳۸۷ق)، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران، المكتبة المرتضوية.
- [۱۹]. همو، (۱۳۶۴)، *تهذیب الاحکام*، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۲۰]. همو، (۱۳۸۵)، *رجال الطوسی*، چاپ سوم، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- [۲۱]. همو، (۱۴۲۲ ق)، *الفهرست*، چاپ دوم، بی جا، مؤسسه نشر الفقاهة.
- [۲۲]. صدوق محمد بن علی بن الحسین، (۱۳۶۳)، *من لایحضره الفقیه*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- [۲۳]. صفائی و امامی، سید حسین و اسدالله، (۱۳۷۹)، *مختصر حقوق خانواده*، چاپ سوم، تهران، نشر دادگستر.
- [۲۴]. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۹ ق)، *قواعد الاحکام*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- [۲۵]. همو، (۱۴۲۲ق)، *خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال*، بی جا، مؤسسه نشر الفقاهة.
- [۲۶]. فضل الله، سید محمد حسین، (۱۴۱۸ق)، *دنیا المرأة، دار الملائک*، چاپ اول، بیروت.
- [۲۷]. فخر المحققین، ابوطالب محمد بن حسن، (۱۳۸۹ ق)، *ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد*، چاپ اول، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- [۲۸]. فاضل هندی، محمد بن حسن اصفهانی، (۱۴۲۴ق)، *کشف اللثام عن قواعد الاحکام*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- [۲۹]. فاضل مقداد، جمال الدین بن عبدالله سیوری، (۱۳۷۳)، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، چاپ پنجم، تهران، انتشارات مرتضوی.
- [۳۰]. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۳۸۳)، *کتاب العین*، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسوه.
- [۳۱]. قمی، علی بن محمد، (۱۳۷۹)، *جامع الخلاف و الوفاق*، چاپ اول، قم، انتشارات زمینه سازان ظهور امام عصر (عج).
- [۳۲]. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۵)، *الفروع من الکافی*، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه.
- [۳۳]. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- [۳۴]. محقق اردبیلی، احمد بن محمد (مقدس اردبیلی)، (۱۳۸۷)، *زبدة البیان فی براهین احکام القرآن*، چاپ دوم، قم، انتشارات مؤمنین.
- [۳۵]. محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، *شرائع الاسلام*، قم، دارالهدی للطباعة و النشر.
- [۳۶]. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۶۰)، *حقوق خانواده*، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- [۳۷]. مشکینی، علی، (۱۳۸۳)، *ازدواج در اسلام*، ترجمه احمد جنتی، چاپ هفدهم، قم، الهادی.
- [۳۸]. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۰ ق)، *المقنعه*، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۳۹]. همو، *احکام النساء*، نجف، بی تا، بی نا.
- [۴۰]. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۹)، *تحریر الوسیله*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

- [۴۱]. همو، (۱۳۸۱)، *استفتائات از محضر امام خمینی (ره)*، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۴۲]. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰ق)، *منهاج الصالحین*، قم، مدینه العلم آیه الله خویی.
- [۴۳]. همو، (۱۴۲۱ق)، *موسوعة الامام الخوئی*، چاپ سوم، قم، مؤسسه آثار الإمام الخوئی.
- [۴۴]. همو، (۱۳۶۹)، *معجم رجال الحديث*، چاپ چهارم، قم، مرکز نشر آثار الشیعه.
- [۴۵]. موسوی گلپایگانی، سیدمحمد رضا، (۱۴۱۳ق)، *هدایة العباد*، چاپ اول، قم، دارالقرآن الکریم.
- [۴۷]. نجاشی، احمد بن علی، (۱۴۰۷ق)، *رجال النجاشی*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- [۴۸]. نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۱ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، تهران، المكتبة الإسلامیه.

